

نکات مثبت و منفی بودجه سال ۱۳۹۱

علی دینی ترکمانی

جهان اقتصاد

بودجه در اصل برنامه کوتاه مدت یکساله ای است که باید در راستای برنامه های بلند مدت پنج ساله باشد تا میزان تحقق اهداف کلان این برنامه ها را امکان پذیر کند. بنابراین برخلاف تصور رایج، بودجه فقط مرتبط با دخل و خرج دولت، موسسات، نهادها و شرکت های دولتی نمی باشد. تحولاتی که در طرف درآمدها و همینطور هزینه های بودجه رخ می دهد باید در همان مسیری باشد که در برنامه های توسعه ترسیم شده است. یکی از اجزای مهم برنامه های توسعه در هر اقتصادی شفاف سازی امور است. شفاف سازی به معنای ایجاد شرایطی است که در چارچوب آن به راحتی بتوان میزان تناسب اقدامات انجام شده با تعهدات ارایه شده دولت را ارزیابی کرد. همینطور بتوان تخلفات احتمالی را به راحتی پیگیری کرد. پرهیز از کسری بودجه تا جایی که ممکن است هدف دیگر برنامه های توسعه ای است. به این منظور به طور مشخص باید منابع درآمدی مصارف هزینه ای بودجه فصل به فصل و مورد به مورد مشخص شود. نکته دیگر تناسب منطقی میان هزینه های عمرانی و هزینه های جاری و لازم الاجرا بودن هر دو مورد است. تحقق چنین امری مستلزم واقع بینی منطقی، به هنگام تدوین بودجه است در غیر این صورت آنچه معمولاً رخ می دهد این است که به هنگام تنگناهای درآمدهای، درصدی از هزینه های عمرانی به هزینه های جاری تبدیل می شود. پرهیز از پر و بال بیش از اندازه دادن به حجم دولت از دیگر اهداف برنامه های توسعه ای است که به معنای رشد منطقی هزینه های بودجه است. این هدف زمانی تأمین می شود که هدف دیگر برنامه های توسعه یعنی پس انداز بخشی از درآمدهای ارزی نفتی در حساب ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی محقق شود. در غیر این صورت اگر قرار باشد که همه درآمدهای ارزی تبدیل به مخارج دولتی شود طبیعی است که دولت باید بزرگ و بزرگ تر شود یا اینکه درست یا نادرست باید مصارف هزینه ای برای درآمدهای مذکور تعریف شود که به ریخت و پاش ضد توسعه ای در درون دولت منجر می شود.

عدم توجه به شفاف سازی و تعیین دقیق منابع درآمدی و محل های هزینه ای و یک کاسه کردن فصول و موارد ذی ربط می تواند به معنای تلاش دولت برای رهایی از پاسخگویی لازم و جا به جایی

منابع به هنگام نیاز تفسیر شود که خود می تواند دال بر تدوین بودجه ای نادقیق باشد. وقتی بودجه دقیق تدوین شود معمولاً انحراف هایی از این منظر یا از منظر تبدیل هزینه های عمرانی به هزینه های جاری رخ می دهد، طبیعی است که میزان این انحراف در یک بودجه نادقیق می تواند به مراتب بیشتر باشد. صدق کم و بیش این مورد، ضمن مخدوش کردن رابطه میان دولت و افکار عمومی و زایل کردن اعتماد اجتماعی، به معنای کاهش اثر بخشی بودجه در تامین اهداف کلان برنامه های توسعه خواهد بود.

بودجه سال آینده از این منظر دارای اشکال است. منابع و مصارف مربوط به یارانه های نقدی در آن لحاظ نشده است در حالیکه یکی از برنامه های مهم اقتصادی دولت در سال گذشته که از آن به عنوان جراحی اقتصاد نام می برد تعدیل قیمت حامل های انرژی و پرداخت یارانه نقدی به خانوارهاست. بدیهی است که منابع درآمدی ناشی از اجرای این سیاست به علاوه مصارف آن باید به دقت شناسایی و اعلام شود تا تسلط خود بر اجرای این برنامه را از جنبه های مختلف نظارتی گرفته تا پیش بینی های کم و بیش موثق نشان دهد. در غیر این صورت افکار عمومی تلاش دولت برای پرهیز از ورود به این موضوع در بودجه سال آینده را می تواند به عنوان باقی گذاشتن دررویی برای یا تبدیل بخشی از هزینه های عمرانی به هزینه های جاری مرتبط با یارانه نقدی و یا توسل به کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی تعبیر کند. در هر دو حالت این پیام اثر منفی بر تصمیم گیری های اقتصادی کارگزاران و فعالان اقتصادی خواهد داشت که یکی از آنها تشدید فشارهای تورمی خواهد بود.

اما صرف نظر از نکات مذکور و با فرض امکان عملیاتی شدن تصویر آماری ارایه شده از بودجه سال ۱۳۹۱ و صحت پیش بینی بودجه سال ۱۳۹۰، برچند نکته مثبت آن می توان انگشت گذاشت. نخست اینکه، میزان اتکا بودجه به درآمدهای غیرنفتی افزایش می یابد و ساختار درآمدی آن اصلاح می شود. دوم اینکه هر چند رقم مربوط به سود شرکت های دولتی چندان بالا نیست اما رشد بسیار زیاد آن دال بر این است که با اصلاح قیمت حامل های انرژی انتظار می رود میزان سود این شرکت ها افزایش قابل توجهی داشته باشد. سوم اینکه ترکیب هزینه ها نیز به نفع هزینه های عمرانی تغییر قابل توجهی نشان می دهد.